

آموزش محبت



دربارهٔ علاقهٔ پدران و مادران و آموزگاران به کودکان بسیار صحبت شده است. حال ببینیم چگونه می شود به بچه ها یاد داد که متقابلاً والدین و آموزگاران خود را دوست بدارند. اکنون این سؤال پیش می آید که چه کسی و چگونه این درس محبت را به کودک خواهد آموخت. جواب این است که والدین و مربیان بانسنان دادن دوستی و محبت خودشان به کودکان عشق و علاقه را به آنان می شناسانند.

هیچ مربی نمی تواند بدون آشنائی با دنیای وسیع عشق و محبت آن راه دیگری بیاموزد. پس احساس علاقه و توجه باید در ما باشد تا بتوانیم آن را به کودک یا شاگرد منتقل کنیم.

بچه ها بزرگترها را عمیقاً دوست دارند و نسبت به آنان فوق العاده حساسند، بنابراین ما باید نسبت به اعمال و کردار و گفتار خود دقیق و محتاط باشیم چه کودک بلافاصله عمل یا رفتار مخصوصی را یاد می گیرد و از آن تقلید می کند و در جاهای مختلف بکار می برد.

تقلید جزء سرشت کودک است و اگر ما بدانیم کودک با چه مهارتی می تواند از ما بیروی کند بیش از این در رفتار و کردار و سخنان خود با کودک احتیاط می کنیم. در



آموزش کودک می‌توانیم حداکثر استفاده را از خصوصیات ذاتی وی که حساسیت و تقلید است ببریم و آن از طریق محبت و توجه به خواسته‌ها و تمایلات کودک است. وقتی ما به کودک محبت می‌کنیم و به خواسته‌های او توجه داریم او می‌فهمد که مادوستش می‌داریم ولی هرگاه برای جزئی‌ترین کار وی را تنبیه کنیم بعوض شناساندن محبت بدر کینه و نفرت رادرنهاد اوبوجود می‌آوریم. آنان که بچه‌ها را برای اصلاح یا تربیت تنبیه می‌کنند بسیار در اشتباهند چه کودکان با تنبیه و سرزنش همان عمل تنبیه و سرزنش را یاد می‌گیرند.

برای روشن شدن مطلب مثالهایی از رفتار و خواسته‌های کودکان می‌آوریم.

بخواید. از جمله کارهای دیگری خوردن همین که همه افراد خانواده برای غذا بر سر می‌روند بچه شروع به گریه می‌کند و اگر او را به سر میز بیاوریم آرام می‌شود چون در حقیقت او می‌خواهد یکی از اعضای خانواده باشد و با ما غذا بخورد و با ما بخوابد. ظولی نخواهد کشید که بچه‌ها بزرگ می‌شوند و پدر و مادر را ترک می‌کنند و در آن زمان بنا اندوه خواهید گفت که چرا کسی به لطفاً" ورق بزنید

کودک دوست دارد همراه پدر یا مادر به رختخواب برود اما اغلب پدر و مادران این را کار بیپوده‌ای می‌دانند که موجب عادت در کودک می‌شود و باید هر چه زودتر کودک را وادار به ترک آن کنند. مدتی که طفل می‌خواهد در کنار پدر و مادر بخوابد خیلی کوتاه است و پدر و مادر نباید در این مورد تعصب داشته باشند چه مطمئناً هیچ طفلی بعد از اینکه بزرگ شد تمایلی ندارد پهلوی پدر و مادرش



✧ بقیه از صفحه قبل

ملاقات شما نمی آید و این زمانی است که در تنهائی مشتاق دیدار شخصی هستید و آرزو می کنید کسی باشد باشما غذا بخورد و باشما هم صحبت بشود، ولی دیگر دیر شده است و بازگشت به گذشته ممکن نیست.

کودک برای این که پهلوی شما باشد گریه می کند و هرسب می - خواهد همراه شما به رختخواب برود ولی شما می گوئید که نمی - توانید همراه وی باشید زیرا خیلی کارهای دیگر دارید که انجام دهید و بودن پهلوی کودک را کاری احمقانه می پندارید که باید این هوس را از سر وی بیاندازید و گرنه همه را برده خودش می کند.

توجه داشته باشید هرگاه به کودک توجه لازم نکنید و تلاشی برای درک و فهم آنان بخرج ندهید و به عشق و محبت آنان اعتنائی نکنید با احساسات آنان لطمه می زنید و در نتیجه حساسیت لازم آنان از بین می رود و نسبت به اشیاء و اشخاص بدبین و بی - تفاوت می شوند. اغلب دیده شده است که بچه ها صبحها زودتر از والدینشان بیدار می شوند و آنان را بیدار می کنند. والدین از این کار شکایت دارند در حالیکه بچه از روی علاقه آنان را بیدار می کند و قصد مزاحمت ندارد و

نسبت به توانائی اش کار خطیری انجام می دهد زیرا تلوتلو - خوران خویش را به والدینش می رساند و آنان را لمس می کند تا از وجودشان مطمئن شود. اغلب والدین از این موضوع ناراضی اند و می گویند ما را بیدار نکن و بچه آنان را می بوسد. آیا این امر نشان دهنده عشق و علاقه طفل به والدین نیست؟ باز هم والدین به جای این که جواب احساسات کودک را بدهند واز این علاقه ای که ابراز شده قدر دانی کنند لب به شکایت می گشایند. این درست نیست که بگوئیم رفتار بچه غلط است و باید تصحیح شود. دورانی

که بچه ها این چنین عشق می ورزند بسیار کوتاه است. کودکان پدر و مادر را نه فقط صبح بیدار می - کنند بلکه چشم آنان را به جهان و زندگی روشن می کنند. با ورود کودک به عرصه زندگی پدر و مادر - هائی که نه تنها شبها بلکه روزها هم در خواب غفلت و بی خبری بسر می برند باید از خواب غفلت برخیزند و بانازه وارد رفتار متفاوتی داشته باشند، تازه واردی که هر روز به آنان می گوید:

نگاه کنید! زندگی دیگری وجود دارد!

☆ ترجمه فیهیم دانشور

کودکان موثر خواهد بود اشاره می‌نماییم :

۱ - پیش از آنکه کودکان را راهنمایی نمائید بکشید تا آنها بتفکر نشسته راه حل‌هایی که بنظرشان می‌رسد بزرگترها ابراز دارند .

۲ - جز در موارد ضروری و لازم برهنمائی و ارشاد آنان نپردازید .

۳ - برنامه‌هایی در اختیار فرزندان خود قرار دهید که آنها را بفکر کردن وادار سازد .

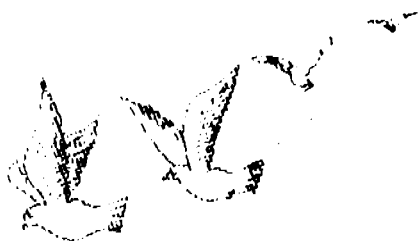
۴ - در برخی از مسائل زندگی و خانوادگی از کودکان خود نظر خواهی نمائید تا آنها بفکر و رای خود اعتماد پیدا کرده، باورشان گردد که می‌توانند از فکر و عقل خود استفاده نمایند .

۵ - وقتی کودکان شما نظریه خوبی را در برخی از موارد ارائه دادند یا همه وجود از آنها تشکر و امتنان نموده، همان نظریه را به مورد اجرا گذارید تا روحیه اعتماد به نفس در ایشان تقویت شود .

۶ - حل برخی از مشکلات را بعهده خود آنان واگذار نمائید تا ضرورت زندگی آنها را بفکر کردن وادار سازد .

۷ - در مواردی برای فرزندان خود سئوالاتی طرح نمائید تا آنها با الهام از فکر و اندیشه به پاسخگویی بپردازند .

● م - ر



مسئله سعی می‌کند توانایی حل مسائل ریاضی را بشاگردان انتقال دهد و اگر قرار باشد معلم ریاضی همه مسائل را برای شاگردان حل کند هرگز شاگردان او به تفکر ریاضی دست نمی‌یابند .

زیرا معلم با اینکار دیگر مجال فکر کردن برای شاگردان باقی نمی‌گذارد . پس پدران و مادران باید در حد معمول و متعارف برهنمائی و ارشاد فرزندان خود بپردازند ولی بتدریج بکشند این راهنمائی و ارشاد توسط فکر کردن خود کودکان انجام گیرد تا فکر و عقلشان رشد یابد . ممکن است برخی از پدران و مادران بگویند ما نمی‌توانیم شاهد زمین خسوردن فرزندان خود باشیم لذا اگر آنان در سنین جوانی نیز باشند از راهنمائی و ارشاد آنان مضایقه نخواهیم کرد . باید به این گروه از پدران و مادران تذکر داد که این گونه بحث‌ها و دلسوزی‌ها عاقلانه نمی‌باشد و این‌همانند لوس و نر بار آوردن کودکان خردسال است که بعدها بضرر و زیان خودشان تمام خواهد شد . پدران و مادران باید توجه داشته باشند که همیشه در خدمت فرزندان خود قرار ندارند و کودکان آنان در فرصتی باید به روی پای خود ایستاده، به زندگی کردن بپردازند . پس عقل و منطق ایجاب می‌کند که در حد ضروری و لازم از راهنمائی و ارشاد فرزندان خود مضایقه ننمائیم . در غیر آن بکشیم فکر و عقل کودکان را بیدار ساخته، آنها را تشویق کنیم تا با استمداد از فکر و خرد خود مشکل خود را حل کنند و بطور غیر - مستقیم خرد و عقل خود را پرورده سازند .

درخاتم به روشهای عملی که اگر در محیط خانواده بکار گرفته شود در پرورش و رشد فکری